خبرها

مجوز واردات موقت بنزین صادر شد

فارس: مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: دولت به شرکت ملی نفت اجازه داده است تا روشن شدن تکلیف این فرآورده در کشور و مجلس به واردات بنزین بپردازد. محمدرضا نعمت‌زاده در زمینه آخرین تصمیمات دولت در خصوص واردات بنزین اظهار داشت: ما نیز منتظریم دولت تکلیف بنزین را مشخص کند، اما به هر حال مشکلی از لحاظ تامین بنزین در کشور نداریم و مردم از این بابت نگران نباشند. وی افزود: دولت اجازه واردات بنزین به صورت موقت را به شرکت ملی نفت داده است. این مجوز تا زمانی که وضعیت بنزین و بودجه آن در کشور و مجلس مشخص شود، معتبر است و ما طبق این مجوز به واردات بنزین می‌پردازیم. نعمت‌زاده یادآور شد: نمی‌توان تا تصمیم‌گیری در خصوص مسئله بنزین، کشور را معطل کرد و نیاز مردم را نادیده گرفت. در شرایط فعلی واردات بنزین تا روشن شدن وضعیت، امری طبیعی است. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی خاطرنشان کرد: خرید بنزین نیز بر عهده شرکت ملی نفت بوده و از طریق امور بین‌الملل انجام می‌شود. توزیع آن نیز بر عهده ما است. وی با اشاره به میزان واردات بنزین نیز گفت: نیاز به واردات روزانه حدود ۳۰ میلیون لیتر است که از ابتدای سال تاکنون انجام شده و در ماه‌های مرداد و شهریور نیز همین رقم با اندکی تغییر وارد خواهد شد. نعمت‌زاده تصریح کرد: به هر شکل ممکن بنزین مورد نیاز را تامین می‌کنیم و مردم از این بابت نگرانی نداشته باشند.

سخنگوی اقتصادی دولت نیستم

ایسنا: وزیر امور اقتصادی و دارایی در مورد اینکه آیا به عنوان سخنگوی اقتصادی دولت انتخاب شده است، گفت: سخنگوی اقتصادی دولت نشده‌ام ولی سیاست‌های اقتصادی را اعلام می‌کنم و پاسخ می‌دهم. داوود دانش‌جعفری در مورد وضعیت اقتصاد کشور به‌خصوص کنترل نرخ تورم گفت: روند کلی نرخ تورم سازنده است اگر چه قیمت برخی از اقلام نسبت به سال گذشته مانند آهن‌آلات و مصالح ساختمانی افزایش پیدا کرده است ولی در کل وضعیت درآمدها و مالیات‌ها رضایت‌بخش است. او ادامه داد: آنچه مهم است این است که دولت به سمت تغییر ساختار اقتصادی برود و فعالیت بخش‌های تعاونی و خصوصی ارتقا پیدا کند. دانش‌جعفری در پاسخ به این سئوال که به عنوان عضوی از تیم اقتصادی دولت به این تیم چه نمره‌ای می‌دهید، اظهار کرد: شما می‌خواهید من مثل معلم‌ها نمره بدهم. وی ادامه داد: من خودم که نمی‌توانم به خودم نمره بدهم، باید یک داور بیاید و نمره بدهد.

معدوم شدن ٦ قلم کالای قاچاق اجرا نشد

به دلیل مخالفت دستگاه‌های ذیربط مصوبه قدیمی معدوم شدن شش قلم کالای قاچاق اجرا نشده است. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام کرد: بند ۷ مصوبه پنجاه و دومین جلسه این ستاد که از سوی سازمان بازرسی کل کشور مورد اشکال واقع شده است، مصوبه قدیمی این ستاد است که در دولت گذشته در مورخ ۱۳ اردیبهشت‌ماه سال گذشته درباره معدوم شدن شش قلم کالای مکشوفه قاچاق صورت گرفته است. بنابراین گزارش، این مصوبه به دلیل مخالفت دستگاه‌های ذیربط از همان آغاز هم اجرا نشده است. گزارش این ستاد حاکی است، با آغاز به کار دولت نهم به دستور رئیس جدید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز این مصوبه به حالت تعلیق درآمد و موضوع این مصوبه در حال بررسی کارشناسانه برای تطبیق قانونی و تعیین راهکارهای بهینه و مناسب است و اساساً نیازی نبود که برادران بازرسی کل کشور برای تقاضای ابطال مصوبه مذکور متقبل زحمت شوند. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصریح کرد: دستگاه‌ها و ارگان‌های کشور در اینگونه موارد باید از طریق مکاتبات و مذاکرات مسائل فیمابین را حل و فصل نمایند و ضرورتی برای طرح آن در رسانه‌های گروهی نیست؛ چرا که ممکن است سبب ایجاد ابهام در اذهان عمومی نسبت به تصمیمات و مصوبات قانونی این ستاد شود.

تفاهم‌نامه ایران و ترکیه در زمینه انرژی

فارس: وزیر نفت گفت: ایران و ترکیه بر سر موضوعاتی از قبیل احداث پالایشگاه، صنایع پتروشیمی و تولید CNG به توافق رسیدند که تفاهم‌نامه این توافقات در آینده بین مقامات دو کشور امضا خواهد شد. سیدکاظم وزیری‌هامانه در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) در مورد نتایج سفر خود به ترکیه اظهار داشت: این سفر به دعوت وزیر انرژی ترکیه انجام شد که طی آن در ۴ محور اصلی به مذاکره پرداختیم. وی افزود: در این زمینه ۴ گروه کاری برای مباحث مورد نظر دو کشور تشکیل شد. یک گروه با محوریت همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تشکیل شد. در زمینه احداث پالایشگاه، پتروشیمی و کار روی CNG و LNG مواردی بود که به تفاهم کامل رسیدیم. هامانه گفت: طرف‌های ترک علاقه‌مند هستند در ایران در این زمینه‌ها فعالیت داشته باشند و حتی زمینه‌های همکاری مشترک در کشورهای دیگر برای برخی فعالیت‌ها نظیر اکتشاف و تولید ابراز علاقه کردند. در این موارد نیز تفاهم کامل حاصل شد.

اصلاح قانون انحصار در پروازهای خارجی

فارس: دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی گفت: از آنجا که طبق قانون تنها شرکتی که اجازه انجام پروازهای خارجی را دارد شرکت ایران‌ایر است ولی در عمل شرکت‌های دیگری نیز به این کار مبادرت می‌ورزند، لایحه‌ای برای اصلاح این قانون و انحصارزدایی در پروازهای خارجی در حال تنظیم است. دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی اظهار داشت: تاکنون طبق قانون تنها هواپیمایی هما اجازه انجام پروازهای خارج از کشور را داشت ولی اگر در مورد پروازی به این نتیجه می‌رسید که انجام آن به نفع شرکت نیست آن را به ایرلاین‌های دیگر واگذار می‌کرد. علیاری افزود: در راستای تحقق ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های کلی بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی برای ایجاد یک فضای رقابتی و خصوصی‌سازی شرکت‌های هواپیمایی، لایحه‌ای مبنی بر اصلاح قانون انحصار در پروازهای خارجی، در وزارت راه در حال تدوین است تا بعد از نهایی شدن به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود.

پاسخ محمد طبیبیان به حمید میرزاده

تغییر سیاست‌های اقتصادی به سیاست‌های تعزیری

دکتر محمد طبیبیان *

جناب آقای میرزاده در روزنامه شرق تاریخ بیست و سوم مردادماه مطالبی را درج کرده بودند. این یادداشت ایشان درپی مصاحبه اینجانب در روزنامه شرق تاریخ یازدهم مرداد بود که به این نکته اشاره کرده بودم که موافقت‌نامه بودجه موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه تا ماه اسفند مبادله نشد و حکم رئیس آن موسسه تا اواخر سال توسط ایشان تائید نشد و یک موسسه آموزش عالی کشور در تنگنای عمدی قرار گرفت. در جوابیه جناب میرزاده بعضی نکات آمده است از جمله اینکه اینجانب به دیدن ایشان نرفته‌ام و گویا انتظار داشته‌ام که ایشان به دست‌بوس بنده بیایند... تا آنجا که به من مربوط است اگر کوچک‌ترین امکان آزردگی خاطر ایشان را حدس می‌زدم مسلماً از دفتر ایشان وقت گرفته و به دیدن ایشان می‌رفتم. لکن بنده خارج از روابط انسانی مبتنی بر احترام متقابل نه علی‌الاصول دست‌بوس کسی می‌روم و نه در این وادی‌ها سیر می‌کنم و نه فضیلتی برای کسانی که دوست دارند دیگران دست آنها را ببوسند قائل هستم. بنا بر این اینگونه مطالب را کنار می‌گذارم و به آن جنبه‌هایی که از لحاظ تاریخ اقتصاد سال‌های گذشته حائز اهمیت است توجه می‌کنم. توالی تاریخی حوادثی که از سال ۱۳۷۳ آغاز شد را می‌توان این گونه ردیف کرد: از نیمه دوم سال ۱۳۷۳ دولت جناب آقای هاشمی رئیس جمهور وقت به دلایلی که تاریخ‌نگاران سیاسی کشور بایستی موشکافی کنند تصمیم به تغییر سیاست‌های اقتصادی گرفت و سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که آنها را می‌توان سیاست‌های تعزیری خواند. بیش از هزار شعبه ویژه تعزیرات برای مبارزه با «گران‌فروشی» ایجاد شد (نگاه کنید به مصاحبه وزیر دادگستری وقت روزنامه سلام، ۷ آبان ۱۳۷۳ و سایر روزنامه‌ها) و ده‌ها هزار پرونده تشکیل شد. بسیاری کسبه و مدیران مورد پیگرد قرار گرفته و تنبیه شدند (نگاه کنید به اخبار روزنامه‌های متعاقب آن تاریخ) برای پدیده‌ای که تقصیر آنها نبود- یعنی تورم. تورم پدیده‌ای است که به شرایط عمومی اقتصاد مربوط می‌شود و از جمله در کشور ما در آن سال‌ها با آثار جنگ کاهش درآمدهای نفت و با کسر بودجه‌های مزمن و رشد شدید نقدینگی مرتبط بود. در اکثر کشورها ازجمله کشورهای صنعتی نیز تورم بعد از خاتمه جنگ بیش از دوران جنگ بوده است و در کشور ما نیز چنین بود. چون با سیاست آزادسازی قیمت‌ها تورم‌های پنهان آشکار شد و خود را در شاخص‌ها نشان داد. این پدیده‌ای است که از طریق تنبیه تولیدکنندگان و بازرگانان قابل علاج نیست. لکن متاسفانه این طریقه برگزیده شد و از چهره‌های اصلی این برنامه جناب میرزاده بودند که در آن زمان به عنوان معاون اجرایی رئیس جمهور عمل می‌کردند و بعداً رئیس سازمان برنامه شدند تا در جایگاه ستادی مناسب سیاست موسوم به «تثبیت» و در واقع تعزیر را پیگیری کنند. در نوشته مزبور به عنوان دستاورد خود اظهار داشته‌اند که «کاهش تورم از ۴۹/۴ درصد به ۲۳/۲ درصد افزایش رشد اقتصادی از ۴/۵ درصد به ۵/۲ درصد.» قاعدتاً نرخ تورم بالا تقصیر اینجانب و تورم پایین دستاورد ایشان است! اینکه کشور پیوسته در چهل سال گذشته دچار فشار تورمی بوده و فقط با افزایش درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت این فشار تخفیف می‌یافته، چه در چند سال معدودی که من در سازمان برنامه بوده‌ام و چه ده‌ها سال قبل و بعد از آن به گردن اینجانب. لکن از این فرصت استفاده می‌کنم تا زوایای حوادث اقتصادی ۱۳۷۵-۱۳۷۳ را با استناد به آمارهای موجود و مستدل بررسی کنم. به اجمال نرخ تغییر چند متغیر عمده در سال‌های مزبور به صورت اطلاعات فصلی در نمودار زیر آمده است. این متغیرها عبارتند از نرخ تغییر شاخص کالاها و خدمات مصرفی، نرخ تغییر قیمت دلار، و نرخ تغییر قیمت مسکن در شهرهای بزرگ که هر یک به نوعی در اقتصاد ایران منعکس‌کننده شرایط تورمی بوده‌اند. در این نمودار از آمار فصلی استفاده شده تا توالی حوادث بهتر مشخص شود. التهاب ایجاد شده در جو اقتصاد کشور به دلیل این تغییر جهت سیاستگزاری در نیمه دوم سال ۱۳۷۳ یعنی بازگشت از سیاست آزادسازی به کنترل و تنبیه عاملین اقتصادی و دخالت گسترده دولتی، قیمت ارز و نرخ تورم را افزایش داد. در این امر شروع مباحث مربوط به دور جدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران نیز بی‌تاثیر نبود. (قانون داماتو) در نمودار زیر افزایش شاخص‌ها در سه‌ماهه سوم و چهارم سال ۱۳۸۳ نشان داده شده است. مجریان تثبیت برای مقابله با این شرایط، به افزایش شدت عمل در مقابل معامله‌گران ارز پرداخته و واردات کالا در ازای ارز آزاد را ممنوع و غیرقانونی اعلام کردند. طبعاً این شرایط قیمت ارز در بازار را کاهش داد، به دلیل حذف تقاضای واردات. قیمت دلار موقتاً کاهش یافت و این به نفع کسانی شد که به دنبال خروج سرمایه بودند و به زیان صادرکنندگان. پیرو این جریان صادرات غیرنفتی کاهش یافت. از ۴/۸ به ۳/۳ میلیارد دلار در ۱۳۷۴ و ۳/۱ میلیارد دلار در ۱۳۷۵. لکن سیاستگزاران تثبیت به این نکته توجه نکرده بودند که از یک طرف جلوگیری از واردات شوک عرضه ایجاد می‌کند و از طرف دیگر نقدینگی موجود در بازار ارز متوجه بازارهای دیگر و ازجمله بازار کالا که اکنون دچار تنگنای بیشتری بود، می‌شود. این اتفاق افتاد. سرکوب بازار ارز موقتاً قیمت آن را در فصل اول ۱۳۷۴ کاهش داد و تورم در بازار کالا اوج گرفت. (به نمودار توجه کنید) بنا بر این تورم ۵۰ درصدی که ایشان مدعی مبارزه با آن هستند به هر میزان که از روند متعارف سال‌های قبل بالاتر است دستاورد همان سیاست‌هایی است که ایشان در کانون آن قرار داشته‌اند و نباید برای آن دیگران را سرزنش کنند. این شعله‌ور شدن تورم در بازار کالاً و سیاست‌های شدت عمل که متعاقب آن حادث شد فعالان اقتصادی و نقدینگی را به بازار دیگری فراری داد و آن نیز بازار مستغلات و مسکن بود. از سه‌ماهه آخر ۱۳۷۴ و سه‌ماهه اول ۱۳۷۵ یکی از بزرگترین نرخ‌های رشد قیمت مسکن طی سال‌های مزبور را شاهد بوده‌ایم. (به نمودار توجه شود) بنا براین سرکوب تورم در یک بازار و ظاهر شدن آن در بازارهای دیگر را بایستی با هم بررسی کرد. به اعتقاد اینجانب تورم در بازار مسکن اثرات نامطلوبی به مراتب عمیق‌تر از بازار کالا به همراه دارد که بحث خاص خود را می‌طلبد. بنابراین راندن تورم از یک بازار به بازار دیگر و جاری کردن اختلال در اکناف نظام اقتصادی از طریق روش‌های تنبیهی و آمرانه چندان قابل دفاع نبوده و دستاورد مثبت تلقی نمی‌شود. به تدریج شکست سیاست‌های تثبیت بر مسئولین سیاسی آشکار شد. اختلال در تولید، فرار سرمایه، عدم انگیزه برای فعالیت اقتصادی و رانت‌های ناشی از کنترل اداری قیمت‌ها... بازگشت تدریجی از آن سیاست‌ها را سبب شد. ایشان صحیح گفته‌اند که در سال ۱۳۷۵ تورم کاهش یافت و به روال عادی میل کرد. (به نمودار توجه شود) لکن این امر دو دلیل داشت. یکی بازگشت از سیاست‌های تنبیهی و از آن مهمتر افزایش قیمت نفت. به این ارقام عنایت کنید. در سال ۱۳۷۲ درآمد نفت کشور ۱۴/۳ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۳، برابر ۱۴/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴ و برابر ۱۵/۱ میلیارد دلار بود. لکن در سال ۱۳۷۵ به ۱۹/۳ میلیارد دلار افزایش یافت. یعنی افزایش نزدیک سی درصد درآمد نفت امکان واردات بیشتر را فراهم کرد و تورم را تخفیف داد و نه سیاست‌های مورد ادعا (افزایش اندک نرخ رشد نیز به همین امر مربوط می‌شود). متاسفانه نتایج نامطلوب آن سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر روش‌های آمرانه و پلیسی بر عملکرد نظام اقتصادی کشور برای سال‌ها باقی ماند و خواهد ماند. آن سیاست‌های اقتصادی که ایشان محور آن قرار گرفتند نه براساس اصول نظری و نه دستاورد عملی قابل دفاع نیست. مسلماً اگر من نوعی که اقتصاد خوانده‌ام مسئول تنظیم یک فراگرد شیمیایی شوم عاقبت کار بر همگان زود مشخص می‌شود. لکن اگر یک تحصیلکرده رشته شیمی مسئول امر اقتصاد شود به راحتی بیشتری نتیجه در گرد و خاک تاریخ گم می‌شود. ایشان به دو حرکت دیگر نیز به عنوان دستاورد اشاره کرده‌اند. ایشان در زمان تصدی ریاست سازمان برنامه و بودجه با تبلیغ قابل ملاحظه تهیه یک برنامه بیست ساله را نوید دادند به اسم «برنامه حیات طیبه» و یک برنامه فقرزدایی نیز تدوین شد. به دلیل جلوگیری از اطاله کلام توجه پژوهشگران اقتصاد را به بررسی این دو برنامه جلب می‌کنیم.

*** معاون اقتصادی اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی**

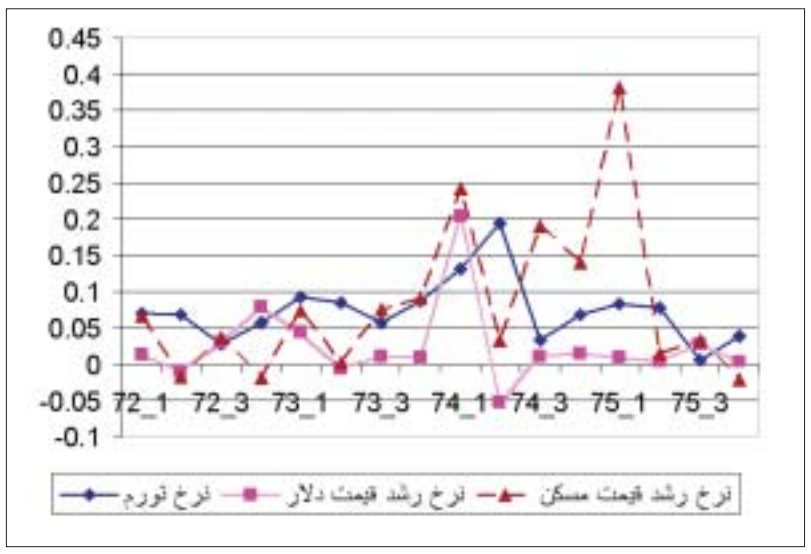

بار دیگر «آموزش و اشتغال»

ادامه تفسیر اقتصادی

اما اجازه بدهید به مسئله «عدم وجود مهارت‌های لازم» در فارغ‌التحصیلان از زاویه دیگری نگاه کنیم. چرا وضعیت دانشگاه‌های کشور (حتی آنهایی که در کل منطقه دارای جایگاه علمی ویژه هستند) به اینجا رسیده است که از انجام وظیفه خود، برای اعطای «مهارت‌های لازم» بازمانده‌اند؟ این مسئله مستلزم بررسی وضعیت دانشگاه‌ها در سه بعد پژوهش، آموزش و نیروی انسانی است، که به صورت مختصر به هر کدام اشاره‌ای خواهم داشت: **الف- پژوهش:** در سال ۱۳۳۳ مجله یغما گزارشی از وضعیت تحقیقات کشور و مشکلات پیش روی آن ارائه کرده و حال و روز تحقیقات را نامناسب دانسته است. براساس این گزارش مسئولان وقت، به بی‌توجهی نسبت به تحقیقات متهم شده‌اند. در سال ۱۳۵۲ (یعنی نوزده سال بعد از گزارش سال ۳۳) همان مجله، مجدداً گزارشی از وضعیت تحقیقات کشور ارائه کرده و آن را چندان متفاوت از سال ۳۳ ندانسته است. در سال ۱۳۶۸ (یعنی شانزده سال بعد از گزارش دوم) مجله سخن گزارشی از وضعیت تحقیقات در ایران تهیه کرده که براساس آن وضعیت با سال‌های ۳۳ و ۵۲ تفاوت چندانی ندارد. اگر بررسی وضعیت تحقیقات در سال ۱۳۶۸ را مبنای مقایسه وضعیت کنونی بدانیم (با توجه به اینکه در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی درگیر حل مشکلات داخلی ناشی از حرکات منافقین و جنگ تحمیلی بوده‌ایم) باید سال‌های بعد که سال‌های «سازندگی»، «اصلاحات» و «عدالت‌خواهی» هستند را، «سال‌های توجه به امر تحقیقات» دانسته و بررسی‌های خود را بر این سال‌ها متمرکز نماییم. طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه، همواره شاهد تخصیص یکنوبم، دو و حتی سه درصد از درآمد ناخالص ملی برای امر تحقیقات بوده‌ایم. اما متاسفانه این ارقام فقط در محدوده ۰/۴ تا ۰/۷۵ درصد از درآمد ناخالص ملی نوسان داشته و هرگز به اهداف تعیین شده نرسیده‌اند. هفته قبل وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری از طریق رسانه ملی به مقامات دست‌اندرکار هشدار داد که این رقم در حال حاضر فقط معادل ۰/۴ درصد از درآمد ناخالص ملی است (که یک عقب‌گرد به حساب می‌آید). اگر کشورهایی نظیر فرانسه، آلمان، کره جنوبی و ژاپن که هزینه سرانه هر محقق در آن‌ها به ترتیب ۲۳۵ هزار، ۲۲۲ هزار، ۸۶ هزار و ۷۰ هزار دلار است را ندیده بگیریم و هزینه سرانه محققان خود را که ۵۳۰۰ دلار است با کشورهایی نظیر ترکیه با ۳۷ هزار دلار و هندوستان با ۱۵ هزار دلار سرانه مقایسه نماییم آن وقت می‌توانیم به «اهمیت تحقیقات» و «جایگاه محقق» در ایران پی ببریم. به نظر می‌رسد به‌رغم پشتیبانی محکم مقامات تراز اول مملکت از جایگاه تحقیقات و محققان کشور، محققان هنوز انسان‌هایی خرج‌تراش و تحقیقات هنوز از جمله کارهای «سوپردولوکس» به حساب می‌آیند و در نظر برنامه‌ریزان و مسئولان تصمیم‌گیر از هیچ جایگاهی برخوردار نیستند. از سال‌ها قبل برای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد ۳۰۰ هزار تومان و برای یک رساله دکتری ۸۰۰ هزار تومان هزینه در نظر گرفته‌ایم (که گاهی درصدی از آن به عنوان بالاسری توسط دانشکده‌ها پرداخت نمی‌شود). آیا با این مقدار اندک، می‌توان طرح‌های اجرایی (عملی) جهت حل مشکلات مملکت طراحی و اجرا کرد؟ و از آن طریق «مهارت فارغ‌التحصیلان» را افزایش داد؟ بیشتر از نود و پنج درصد از رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری در سرتاسر کشور فقط محدود به «مدل‌های کامپیوتری» و «شبیه‌سازی»های بی‌فایده‌ای شده که در عمل هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. از آن دردآورتر اینکه گاهی برای خرید یک آنزیم، دارو و یا ماده شیمیایی با قیمت فقط چند ده هزار تومان، کارهای تحقیقاتی تا مدت‌ها تعطیل می‌شود. با این وضع، تحقیقات باید چه معجزه‌ای از خود نشان بدهد، البته ممکن است پاره‌ای از دست‌اندرکاران سئوال نمایند که تحقیقات چه دسته گلی به سر این مملکت زده که باید به آن توجه کرد؟ بدون شک تحقیقات یکی از پرسودترین سرمایه‌گذاری‌ها در تمام دنیا است. آمار بیان‌کننده این حقیقت است که در نتیجه هر یک ریال سرمایه‌گذاری در تحقیقات کشاورزی بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ ارزش افزوده بخش کشاورزی تا ۲۳۳ ریال افزایش یافته است. با ضرس قاطع این مهم برای سایر رشته‌های غیرکشاورزی نیز صادق است. بنابراین اگر اعشارات تحقیقاتی به خوبی تدارک شود، دانشجویان می‌توانند در آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های فعال، «مهارت‌های لازم» را کسب نمایند و آن را در عرصه عمل و برای توسعه کشور به کار گیرند. متاسفانه تا کنون اینچنین نبوده است. **ب- آموزش:** توسعه آموزش عالی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (حتی با در نظر گرفتن عدم حذف کنکور به عنوان یک چالش بزرگ) یک نقطه روشن در کارنامه جمهوری اسلامی است که به خوبی می‌درخشد. براساس آمار ارائه شده در کمیسیون تحقیقات و آموزش مجلس محترم شورای اسلامی، در حال حاضر قریب به ۲/۴ میلیون نفر دانشجو مشغول به تحصیل هستند که نسبت به ۱۷۵ هزار نفر دانشجوی سال پیروزی انقلاب اسلامی، جهش مناسبی به حساب می‌آید. اما در مورد کیفیت فارغ‌التحصیلان و کسب «مهارت‌های لازم» همواره «اما و اگر»های فراوانی وجود داشته است، که بررسی همه آن در این مقاله نمی‌گنجد. اغلب فارغ‌التحصیلان کشور، در هر زمان که امکان بروز دانسته‌های خود را داشته‌اند، شایستگی‌های خود را به خوبی نشان داده‌اند. نمونه‌ای از این آمادگی‌ها را می‌توان در ادامه تحصیل دانشجویانی که به خارج از کشور رفته‌اند، به خوبی ردیابی کرد که در بین فارغ‌التحصیلان سایر کشورها و در رقابت با آنان گوی سبقت از همگنان خود ربوده و نام ایران و ایرانی را بلندآوازه ساخته‌اند. اما نمی‌توان کتمان کرد که در بازار کار داخل، کارفرمایان همواره گلایه داشته‌اند که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از تکنولوژی روز دنیا عقب مانده‌اند. دلیل این مسئله کاملاً واضح است زیرا دولت‌های بعد از انقلاب، در هر زمان که از فشار کاهش قیمت نفت رهایی یافته‌اند، برای خرید فناوری‌های روز سرمایه‌گذاری‌های زیادی داشته‌اند که متاسفانه هرگز مشمول دانشگاه‌ها نشده است. به عنوان مثال در نظر بگیرید که وزارت جهاد کشاورزی در سال‌های اخیر بهترین ماشین‌آلات کشاورزی را خریداری و آن را با یارانه‌های فراوان در اختیار کشاورزان قرار داده است. اگر تراکتورها، کمباین‌ها و ماشین‌آلات مدرن و پیچیده وارداتی را دیده باشید، صفحه پانل آنها، مانند پاره‌ای از هواپیماهای پیشرفته دارای صدها کلید و مانیتور است. اما دانشجویان هنوز از تراکتورهای رومانی قدیم استفاده و کار با تراکتور را با انواع قدیمی آن تجربه می‌نمایند. چگونه از فارغ‌التحصیلان انتظار می‌رود کار با «کامبینات، کمباین و یا تراکتورهای» پیشرفته و مطابق با آخرین فناوری‌های جهان را به خوبی بدانند و با آن کارکنند بدون آنکه آن را حتی با چشم دیده باشند؟ این مسئله به صورت مشخص برای سایر رشته‌های کشاورزی و غیرکشاورزی نیز صادق است. اگر کارفرمایان محترم و به صورت اخص «دولت محترم» انتظار «کار آزمودگی» از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را دارند باید زمینه‌های آموزش عملی آنان را فراهم نمایند. متاسفانه درس «کارورزی» در دانشگاه‌ها به راحتی «مثله» می‌شود و این را هم دانشجویان، هم استادان و هم مسئولان به خوبی می‌دانند. وظیفه برنامه‌ریزان است که برای حل آن روش‌های لازم را ارائه نمایند. به نظر معاون محترم وزیر کار و امور اجتماعی مبنی بر «اشتباه در سیاستگزاری در حوزه اشتغال» احترام می‌گذارم. به نظر صاحب این قلم، اگر میلیاردها ریالی که برای «کارآموزی» فارغ‌التحصیلان هزینه می‌شود تا با «بازآموزی» فارغ‌التحصیلان به آنان «مهارت‌های لازم» را بیاموزند در اختیار مبادی آموزشی (دانشگاه‌ها) قرار گیرد به مراتب بهتر از آن خواهد بود که با افزودن هزینه‌های اضافی مجبور به آماده‌سازی مجدد فارغ‌التحصیلان باشیم (نوشداروی بعد از مرگ سهراب). **ج- نیروی انسانی:** در کشورهای غربی، دانشگاه‌ها بدواً برای تربیت طبقه اشراف و روحانیون و با وقوع انقلاب صنعتی، برای تربیت نیروهای متخصص و مورد نیاز کارخانجات صنعتی و حل مشکلات جامعه تاسیس شدند. صرف‌نظر از اینکه ایرانیان قبل از ظهور اسلام «گندی شاپور» و پس از ظهور اسلام «نظامیه»ها را تاسیس کرده و تجارب بسیار مفیدی، در زمینه «دانشگاه‌داری» پشت سر گذاشته بودند. متاسفانه تاسیس دانشگاه‌های جدید در ایران، با توجه به الگوهای غربی و بدون توجه به فلسفه اصلی آن شکل گرفته است. ما با استفاده از الگوهایی نظیر آمریکا، فرانسه، آلمان و ایتالیا و مدلسازی از آنان به تاسیس دانشگاه و تربیت نیروی انسانی پرداخته‌ایم. شاید به همین دلیل دولت‌های پیش و بعد از انقلاب، هرگز اعتماد لازم را به دانشگاه‌ها نداشته و حل مشکلات خود را با خرید تکنولوژی و نه «بومی‌سازی» آن دنبال کرده‌اند. کدام‌یک از برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه با نظر دانشگاهیان تنظیم گردیده است و دانشگاهیان در کدام‌یک از برنامه‌های توسعه صنایع مختلف مانند نفت و گاز و برق (انرژی)، راه، کشاورزی و منابع طبیعی سهیم بوده‌اند تا براساس تجارب کسب شده و نیاز کارفرمایان محترم، دانشجو تربیت نمایند؟ متاسفانه تمرکزگرایی وزارت علوم در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، امکان برنامه‌ریزی و رقابت سالم براساس نیازهای کشور را از دانشگاه‌ها سلب کرده و اگر هم رگه‌هایی از خلاقیت‌های فردی بروز یافته به عنوان «مقابله» در برابر «برنامه‌های متمرکز وزارت» تلقی و از اجرای آن جلوگیری شده است. بنابراین اگر مسئله «اشتباه در سیاستگزاری در حوزه اشتغال» را از طرف معاون محترم وزیر کار بپذیریم و سیاست‌های آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد مبنی بر «سرمایه‌گذاری دولت روی نیروی انسانی را به عنوان «سیاست جدید» تلقی نماییم، باید امیدوار باشیم که «پولدارترین دولت بعد از انقلاب» که در راس آن یک دانشگاهی قرار گرفته است، از عهده حل این مشکل برآید و با تدبیر به گونه‌ای عمل کند که در طول سال‌های خدمتش، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پس از خروج از دانشگاه، از «مهارت‌های لازم» برای حضور در بازار کار برخوردار باشند.

***عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان**

گزارش

نامه خادم به رئیس جمهور

اشاره: مطلب زیر متن نامه امیررضا خادم نماینده تهران به محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور درباره لایحه واردات بنزین است که آن را در پی می‌خوانید:

با توجه به تصمیم جدید دولت در ارائه لایحه برداشت از حساب ذخیره ارزی جهت واردات بنزین (به‌رغم حکم تبصره ۱۳ بودجه ۸۵ که در صورت لزوم با تصویب شورای اقتصاد نسبت به سهمیه‌بندی بنزین و تعیین قیمت مناسب برای بنزین مازاد بر سهمیه تعیین شده اقدام نماید و در لایحه بودجه دولت نیز پیشنهاد شده بود) نظر جنابعالی را به چند نکته در این ارتباط معطوف می‌نمایم: ۱- پیشنهادات ارائه شده در ذیل، ماحصل گردآوری نظرات کارشناسان خبره اقتصادی دولت، مجلس و دانشگاه می‌باشد که مباحث فنی را کمتر با مسائل سیاسی و مصلحت‌اندیشی‌های رایج گره می‌زنند. ۲- تصور بنده و طیف عظیمی از مردم از جنابعالی برآمده از شعارهای دولت نهم اقدامات شجاعانه، مبتنی بر اراده‌ای خط‌شکن، در جهت رفع کلیه مسائل و معضلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امروزه کشورمان است و پرواضح است اثبات این توانایی در گرو نحوه مقابله و مواجهه با بسیاری از ناملایمات بوده و حتی تحمل هزینه‌های کوتاه‌مدت از جمله احتمال زیر سئوال رفتن‌های دولت در جهت نیل به اهداف بزرگتر می‌باشد که نمونه آن را می‌توان در کشورهایی مانند ترکیه یا مالزی مشاهده کرد. ۳- شما بارها در برنامه‌های مختلف تلویزیونی و سخنرانی، برداشت از حساب ارزی به‌منظور واردات بنزین را مغایر با عدالت اجتماعی و ظلم مضاعف عنوان کرده‌اید (نقل به مضمون)، حال در شرایطی که اکثریت مردم به درک مشترکی در ارتباط با ضرورت بازنگری در این سیاست رسیده‌اند چگونه است که دولت نهم نیز همانند اسلاف خویش این اقدام ناصواب را در دستور کار خود قرار داده و در حال روانه‌کردن لایحه بنزین به مجلس است؟!۴- قطعاً در شرایط کنونی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند کسانی که مایل به استفاده از اموال شخصی مانند خودرو یا خودروهای خویش هستند به علت کمبود سوخت نتوانند از آنها بهره‌مند شوند. اما از منظر عدالت اجتماعی، تخصیص سرمایه ملی به یک گروه از جامعه و بی‌بهره ماندن جمعیت عظیمی که فاقد وسیله نقلیه شخصی هستند نیز منطقی به‌نظر نمی‌آید. پس آیا اجرای تبصره ۱۳ قانون برنامه بودجه ۸۵ اصولی‌تر نیست؟ البته می‌دانم که انجام بخش انتهایی تبصره ۱۳ منوط به توسعه حمل و نقل عمومی و افزایش سهم خودروهای دوگانه‌سوز می‌باشد ولی شما خود نیک می‌دانید، تحقق این امور نه به‌علت تنگناهای مادی، بلکه به‌دلیل عدم وجود اراده لازم و آشفتگی مدیریتی در بدنه سیستم به این زودی‌ها بعید به‌نظر می‌رسد. لذا ورود به بحث هدفمند کردن یارانه‌ها به موازات انجام امور مربوط به ساماندهی حمل و نقل عمومی، دوگانه‌سوز کردن خودروها، افزایش ظرفیت تولید بنزین پالایشگاه‌های داخلی، خروج خودروهای فرسوده و... امری ضروری است که جنابعالی با توجه به اینکه در حوزه شهری بزرگ چون تهران کار کرده‌اید به خوبی به آن واقف هستید. ۵- از سوی دیگر منطقی به‌نظر می‌رسد تهدیدهای خارجی پیرامون برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نیز به‌عنوان یک احتمال در نظر گرفته شود تا در صورت اقدام به هرگونه تحریم از جمله تحریم واردات بنزین، خودمان پیش‌قدم در هماهنگ کردن خویش با این تهدید شده باشیم و ضمن گرفتن ابزار تهدید از دست مخالفان، با یک تیر دو نشان را زده باشیم یعنی در شرایط عادی حرکت به سمت هدفمند کردن یارانه‌ها را آغاز کرده‌ایم و در صورت تحریم به آسانی می‌توانیم خود را با شرایط تطبیق دهیم. ۶- قطعاً جنابعالی از ارزش مبالغی که از حساب ارزی برای بنزین برداشت می‌شود کاملاً مطلع می‌باشید، اما اجازه می‌خواهم به‌طور مختصر به چند عدد و رقم که می‌تواند جایگزین یارانه بنزین شده و در بهبود وضعیت حمل و نقل عمومی، آلودگی هوا و کاهش مصرف انرژی موثر باشد اشاره نمایم. در سال جاری براساس پیش‌بینی‌ها یارانه مورد نیاز برای واردات بنزین بالغ بر ۵ تا ۶ میلیارد دلار می‌باشد که حتی با یک میلیارد دلار آن می‌توان، بسیاری از امور مرتبط با بهبود حمل و نقل و... را فراهم نماید: الف- حدود ۹ هزار اتوبوس یکصد میلیون تومانی